

نقش مؤلفه‌های انگیزش پیشرفت «با تأکید بر نظریه‌ی انتظار- ارزش اکلز و ویگفیلد» در پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر

صبحا عبدی^۱، اکبر رضایی^۲، علی محمدزاده^۳

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب.

^۲ دانشیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران

^۳ دانشیار گروه روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران.

نویسنده مسئول:

صبحا عبدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

چکیده

زمینه: در پژوهش‌های قبلی تنها به یک بعد خودشیفتگی توجه شده است و یافته‌های جدید نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیت از عوامل مهم خودکارآمدی است. هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خودشیفتگی سالم و بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان و نقش تعدیل‌کننده جنسیت در این رابطه انجام شد. روش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بودند. از بین آن‌ها تعداد ۳۶۹ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای وارد پژوهش شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی (مورگان و جینکز، ۱۹۹۹) پرسشنامه خودشیفتگی نهان بیمارگونه (MCNS) و پرسشنامه خودشیفتگی آشکار سال (AONS) گردآوری شدند. داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری با تکنیک تحلیل گروه‌های چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که خودکارآمدی تحصیلی با خودشیفتگی سالم رابطه مثبت و معنادار و با خودشیفتگی بیمارگونه رابطه منفی و معنادار دارد. متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی اثر تعدیل‌کننده نداشت و در ارتباط خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی در پسران، نه دختران، نقش تعدیل‌کننده داشت. نتیجه‌گیری: نتایج نهایی پژوهش نشان داد که انواع خودشیفتگی اثرات متفاوتی بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دارد که میزان این اثر در دانش‌آموزان دختر و پسر با هم متفاوت است. با توجه به پیچیدگی حوزه خودشیفتگی لازم است مشاوران، روانشناسان و معلمان اطلاعات بیشتری در این زمینه کسب کنند.

واژگان کلیدی: خودشیفتگی سالم، خودشیفتگی بیمارگونه، خودکارآمدی تحصیلی، جنسیت.

مقدمه

نوجوانی به عنوان دوره گذر از کودکی به بزرگسالی با تحولات روانی- اجتماعی و شناختی زیادی همراه است. نوجوانان در اجتماع بزرگتر بیش از زمان کودکی فعال بوده و باید مسئولیت کارها و اعمال خود را بپذیرند، که این مستلزم کسب مهارت‌های جدیدی است. برای اینکه نوجوانان با چالش‌های متعدد و تغییرات بلوغ برخورد کنند و با دوستان خود سرمایه‌گذاری هیجانی داشته باشند باید به احساس خودکارآمدی برسند. باورهای خودکارآمدی در بسیاری از زمینه‌های زندگی نوجوانان از جمله ورزش، مدرسه و تحصیل اثر نافذی دارد (شولتز و شولتز^۱، ۱۳۹۶). خودکارآمدی^۲ عبارتست از گمانه‌زنی و قضاوت فردی درباره درجه‌ای که فرد خود را قادر به انجام دادن کار، دستیابی به هدف یا مقابله مؤثر در شرایط استرس‌زا می‌داند (پیو، هو و ما^۳، ۲۰۱۷). خودکارآمدی در حوزه‌های مختلفی مطرح می‌گردد. یکی از این حوزه‌ها، حوزه‌های آموزشی است که از آن به عنوان خودکارآمدی تحصیلی^۴ یاد می‌گردد (آلتونسوی، سیمن، اکسی، اتیک و گوکمن^۵، ۲۰۱۰). امروزه بخش قابل توجهی از چالش‌های دوره نوجوانی را چالش‌های تحصیلی تشکیل می‌دهد که حتی ممکن است به شکست یا انصراف آنان از تحصیل منجر شود (پیتوس^۶، ۲۰۰۶). بنابراین، مجهزسازی فراگیران و افزایش خودکارآمدی تحصیلی آنان در برخورد با این چالش‌ها باید جزء اولویت‌های اصلی مدارس قرار گیرد (مارتین و ماش^۷، ۲۰۰۸).

براساس نظریه شناختی- اجتماعی^۸، خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان متأثر از منابع متعددی است که شناسایی آنها در برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش نقش مهمی ایفا می‌کند (شمس^۹، ۲۰۱۱). صفات شخصیت از جمله عوامل مؤثر بر خودکارآمدی تحصیلی افراد است (فاس، بوش، ساونبام و مارتینسن^{۱۰}، ۲۰۱۵). در سال‌های اخیر بیشتر مطالعات در زمینه ویژگی‌های شخصیت بر پنج عامل بزرگ شخصیت متمرکز بوده است (کجونیوس، پرسون، روزنبرگ و گارسیا^{۱۱}، ۲۰۱۶)، اما به تازگی روانشناسان شخصیت در پژوهش‌های خود توجه‌شان را به سمت ویژگی‌های تاریک شخصیت همچون ماکیاولی^{۱۲}، خودشیفتگی^{۱۳} و سایکوپاتی^{۱۴} متمرکز ساخته‌اند (بک و وازیر^{۱۵}، ۲۰۱۵). در این میان خودشیفتگی متغیری مهم به شمار می‌رود که می‌تواند بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد.

خودشیفتگی را می‌توان به صورت یک پیوستار در نظر گرفت که دامنه آن از خودشیفتگی مرضی تا خودشیفتگی سالم است (براون^{۱۶}، ۱۳۸۸). خودشیفتگی بیمارگونه^{۱۷} یک الگوی رفتاری ناسالم با ویژگی‌های منحصر به فرد، احساس غرور، حس حق به جانب بودن، سطح پایین همدلی و صمیمیت عاطفی به همراه با عزت‌نفس کاذب است (پینکاس و لوکوویتسکی^{۱۸}، ۲۰۱۰؛ رایت^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۳). شخصیت‌های خودشیفته بیمارگونه با حس یکپارچگی ضعیف و بی‌ثبات و آسیب‌پذیر تعریف می‌شوند (چیک، هندین و وینک^{۲۰}، ۲۰۱۳). افرادی که خودشیفتگی مرضی دارند، زمانی که حرمت خود آن‌ها با ناامیدی و تهدیدهایی رو به رو می‌شود، به

1. Schultz & Schultz

2. Self- Efficacy

3. Pu, Hou & Ma

4. Academic self-efficacy

5. Altunsoy, Çimen, Ekici, Atik & Gökmen

6. Pettus

7. Martin & Marsh

8. Social cognition theory

9. Shams

10. Fosse, Buch, Säfvenbom & Martinussen

11. Kajonius, Persson, Rosenberg & Garcia

12. Machiavellianism

13. Narcissism

14. Psychopath

15. Back & Vazire

16. Brown

17. Maladaptive Narcissism

18. Pincus & Lukowitsky

19. Wright

20. Cheek, Hendin & Wink

دلیل این که دنیا موانع و چالش‌هایی در مسیر خواسته‌هایشان ایجاد می‌کند، آشفته می‌شوند (رانینگستام^{۲۱}، ۲۰۰۵). همچنین این افراد عطش توجه و اطمینان افراطی به خود (مارک‌یونگ و پینسکی^{۲۲}، ۲۰۰۶) و خود بزرگ‌بینی (سلاتر^{۲۳}، ۲۰۰۳) زیادی دارند که همین می‌تواند به خودکارآمدی آنان صدمه وارد کند. در مقابل خودشیفتگی سالم^{۲۴} با یک تمایل نسبت به پذیرش تصورات مثبت درباره خود و به حداقل رساندن اطلاعات نامتناقض در جهت تصویر مثبت از خود همراه است (مورف و رودوال^{۲۵}، ۱۹۹۳). چنین افرادی تمایل دارند که جاه‌طلب، راضی و موفق باشند (وینک، دیلون و فای^{۲۶}، ۲۰۰۵) و برتری خود را در محیط‌های مرتبط با پیشرفت اثبات کنند (چیک، وینک، هارگریوز و در^{۲۷}، ۲۰۱۳). خودشیفتگی با پیامدهای مثبت و منفی همراه است (مارک‌یونگ و پینسکی، ۲۰۰۶). از جمله پیامدهای مثبت خودشیفتگی، خوشایندی اولیه (آلتمنز، فریدمن، فیدلر و ترکهایمر^{۲۸}، ۲۰۰۴)، عزت نفس سالم و اطمینان از توانایی‌های خود (ترامپتر، واتسون، آلیری و ویسینگتون^{۲۹}، ۲۰۰۸)، استقلال، جرأت‌مندی و اعتماد به نفس بالا (مارتینز، زینچر و میلر^{۳۰}، ۲۰۰۸) و افزایش کارایی در جمع (والاس و باومیستر^{۳۱}، ۲۰۰۲) است.

یافته‌های لاپسلی و آلسما^{۳۲} (۲۰۰۶)، نقش خودشیفتگی را در سلامت روانشناختی در اواخر نوجوانی نشان داد. آن‌ها نشان دادند که خودشیفته‌های ناسازگار نسبت به خودشیفته‌های آشکار، مشکلات تحصیلی بیشتری داشتند و یک درجه متوسط خودشیفتگی با سلامت روانی مثبت رابطه داشت. بروکز^{۳۳} (۲۰۱۵) نشان داد که خودشیفتگی آشکار به صورت مثبت خودکارآمدی تحصیلی و اعتماد به نفس در دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند ولی در مقابل خودشیفتگی پنهان، عزت نفس و خودکارآمدی را در دانشجویان به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. هیرسکی و جانچ^{۳۴} (۲۰۱۷)، در مطالعات خود نشان دادند که بین خودشیفتگی و خودکارآمدی ارتباط معنادار مثبت وجود دارد. سعادت، کلانتری و قمرانی (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که صفات شخصیت جامعه‌ستیزی و ماکیاوولی با خودکارآمدی تحصیلی رابطه معنادار و منفی دارند ولی خودشیفتگی ارتباطی با خودکارآمدی تحصیلی ندارد.

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که یک عامل مهم در ابراز خودشیفتگی جنسیت است. جنسیت یکی از جنبه‌های اصلی زندگی اجتماعی است که به الگوهای فرهنگی خاصی از رفتار زنان و مردان دلالت دارد (قلی‌زاده، ۱۳۹۴). الگوهای قالبی جنسیت در رفتار و فرآیندهای ذهنی تأثیرات چشمگیری بر جای می‌گذارد (بخشی‌زاده، سامانی، خیر و نادره، ۱۳۹۷). طبق نتایج به دست آمده از یک زمینه‌یابی ملی شیوع اختلال شخصیت خودشیفته در مردان (۷/۷ درصد) بیشتر از زنان (۴/۸ درصد) است (استینسون^{۳۵} و همکاران، ۲۰۰۸). بر اساس نظر فیلیپسون^{۳۶} (به نقل از قربانی، ۱۳۹۲) خودشیفتگی هم به عنوان یک اختلال و هم به عنوان یک سازه شخصیتی، عمدتاً تجربه‌ای مردانه است. در پژوهشی، واتسون، تیلور، و موریس^{۳۷} (۱۹۸۷) دریافتند افراد دارای ویژگی‌های مردانه، از جنبه‌های سالم خودشیفتگی، بیشتر برخوردارند و افراد دارای ویژگی‌های زنانه، کمتر به ویژگی‌های ناسالم خودشیفتگی، مانند بهره‌کشی، مبتلا می‌شوند. وازیر و فاندرا^{۳۸} (۲۰۰۶) نشان دادند که ویژگی‌های مردانه با خودشیفتگی همبستگی

21. Ronningstam

22. Mark Young & Pinsky

23. Slater

24. Adaptive Narcissism

25. Morf & Rhodewalt

26. Wink, Dillon & Fay

27. Cheek, Wink, Hargreaves & Derr

28. Oltmanns, Friedman, Fiedler & Turkheimer

29. Trumpeter, Watson, O'Leary & Weathington

30. Martinez, Zeichner, Reidy & Miller

31. Wallace & Baumeister

32. Lapsely & Aalsma

33. Brookes

34. Hirschi & Jaensch

35. Stinson

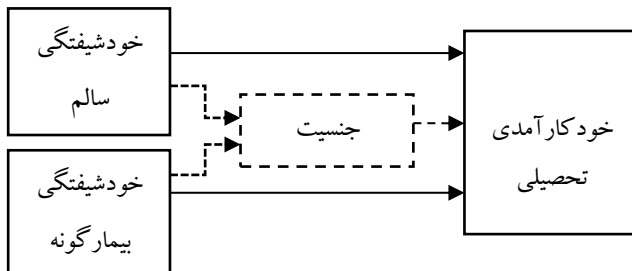
36. Philipson

37. Watson, Taylor & Morris

38. Vazire & Funder

مثبت و معناداری دارد، ولی ویژگی‌های زنانه با خودشیفتگی همبستگی معکوس دارد. در کل نتایج پژوهش‌ها در مورد نقش جنسیت در ابراز خودشیفتگی ناهمخوان و بیشتر به بعد بیمارگونه خودشیفتگی توجه شده است.

بنابراین باتوجه به اینکه در مطالعات پیشین به خودشیفتگی نگاه تک‌بعدی شده است و ارتباط انواع خودشیفتگی با خودکارآمدی تحصیلی هنوز بررسی نشده است و همچنین نقش مهمی که جنسیت می‌تواند در ابراز خودشیفتگی داشته باشد، در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم: ۱- بین خودشیفتگی سالم و خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد؟ ۲- آیا متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی اثر تعدیل‌کنندگی دارد؟ ۳- آیا متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی اثر تعدیل‌کنندگی دارد؟



شکل ۱- مدل پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ نوع پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود (۹۷۰۲ نفر). با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، ۳۶۹ دانش‌آموز وارد پژوهش شدند. به این صورت که از میان مدارس دولتی شهرستان میاندوآب، چهار مدرسه دخترانه و چهار مدرسه پسرانه؛ و از هر مدرسه یک کلاس هفتم، یک کلاس هشتم و یک کلاس نهم انتخاب شد. همچنین تعداد ۲۰ پرسشنامه بیشتر جهت جلوگیری از ریزش نمونه، بین دانش‌آموزان توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی از نرم‌افزار SPSS21 و در بخش آمار استنباطی از نرم‌افزار Amos24 و روش معادلات ساختاری با تکنیک تحلیل گروه‌های چندگانه^{۳۹} استفاده شد.

ابزار

پرسشنامه خودشیفتگی نهان بیمارگونه^{۴۰}: این مقیاس خودسنجی برای سنجش خودشیفتگی بیمارگونه توسط وینک، هندیک و چیک (۲۰۱۳) تدوین شده است. این پرسشنامه شامل ۲۳ سؤال و لیکرت پنج درجه‌ای برای نمره‌گذاری است. نمره هر فرد از طریق حاصل جمع نمرات گویه‌ها محاسبه می‌شود. اعتبار محتوا و صوری مقیاس تأیید شده است و ضریب همبستگی این ابزار با MMPI برابر با ۰/۶۵، با عامل خودشیفتگی آشکار NPI برابر با ۰/۳۰ و با مقیاس خودشیفتگی آشکار سالم برابر با ۰/۱۶ - بوده است (وینک، هندیک و چیک، ۲۰۱۳). آلفای کرونباخ کلی به دست آمده توسط چیک و همکاران (۲۰۱۳) ۰/۸۹ بوده است و از لحاظ اعتبار ملاکی با تمام حوزه‌های پرسشنامه پنج عاملی همبسته بوده است. همچنین در پژوهش‌های گرینوود، مک کاتچون، کولیسون و وونگ^{۴۱} (۲۰۱۸)، پرتون^{۴۲} (۲۰۱۸) و سابوکس^{۴۳} (۲۰۱۴) ضریب پایایی پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۸۲ و ۰/۸۳ گزارش شده است. در پژوهش غلامی‌پور (۱۳۹۵) ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ محاسبه شد. در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی پرسشنامه از نسبت روایی محتوا (CVR)^{۴۴} و شاخص روایی محتوا (CVI)^{۴۵} استفاده شد. نسبت روایی محتوا و

³⁹. Multiple- Group analyses

⁴⁰. Maladaptive covert narcissism scales (MCNS)

⁴¹. Greenwood, McCutcheon, Collisson & Wongd

⁴². Parton

⁴³. Szabolcs

⁴⁴. Content validity Ratio

⁴⁵. Content validity Index

شاخص روایی محتوا برای کل سوالات به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۹۳ محاسبه شد. همچنین برای پایایی ثبات درونی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ۰/۷۸ محاسبه شد.

پرسشنامه خودشیفتگی آشکار سالم^{۴۶}: این پرسشنامه خودشیفتگی سالم و آشکار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این مقیاس توسط چیک، وینک، هارگریوز و دری (۲۰۱۳) در ۲۰ سؤال تدوین شده است. نمره‌گذاری براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای است (هرگز، به ندرت، بعضی اوقات، بیشتر اوقات و همیشه) که در تمامی سؤالات کمترین رتبه ۱ و بیشترین رتبه ۵ تعلق می‌گیرد، مگر سؤالات ۹ و ۱۰ که به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره این مقیاس ۲۰ و بیشترین نمره این مقیاس ۱۰۰ است که نمره هر فرد از طریق حاصل جمع نمرات گویه‌ها محاسبه می‌شود. آلفای کرونباخ این ابزار توسط چیک و همکاران (۲۰۱۳)، ۰/۸۸ و توسط شین سیمپسون^{۴۷} و همکاران (۲۰۲۰)، ۰/۸۰ گزارش شده است. در پژوهش غلامی‌پور (۱۳۹۵) ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه شد. در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی پرسشنامه از نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا استفاده شد. نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا برای کل سوالات به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۹۶ محاسبه شد. همچنین برای پایایی ثبات درونی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ۰/۸۰ محاسبه شد.

پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی مورگان و جینگز^{۴۸}: این پرسشنامه ۳۰ سؤال دارد. گویه‌های این پرسشنامه با مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تدوین شده است که در سه مقوله کوشش، استعداد و بافت قرار می‌گیرند. مورگان و جینگز (۱۹۹۹)، ضریب پایایی پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و ضریب پایایی هر یک از خرده مقیاس‌های استعداد، کوشش و بافت را به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۶ و ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. در ایران کریم زاده (۱۳۸۵) با استفاده از روش تحلیل عاملی، روایی پرسش نامه را مورد تأیید قرار داد و بارهای عامل به ترتیب برای استعداد، کوشش و بافت ۰/۶۵، ۰/۶۶ و ۰/۶۰ و ضریب پایایی کلی آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۶ گزارش کرد. همچنین این پرسشنامه در پژوهش بندک، ملکی، عباسپور و ابراهیمی قوام (۱۳۹۴) هنجاریابی و مناسب دانش آموزان ایرانی تعدیل شده است که ضریب پایایی گزارش شده برای کل آزمون ۰/۸۵ و روایی آن با استفاده از روش تحلیل عوامل مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته ها

۴۶/۶ درصد از شرکت‌کنندگان دختر و ۵۳/۴ درصد از آنان پسر بودند که با توجه به اهمیت متغیر جنسیت سعی شده که تعداد پسران و دختران نزدیک به هم انتخاب شوند. میانگین سنی دانش‌آموزان ۱۴/۱ سال بود. داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

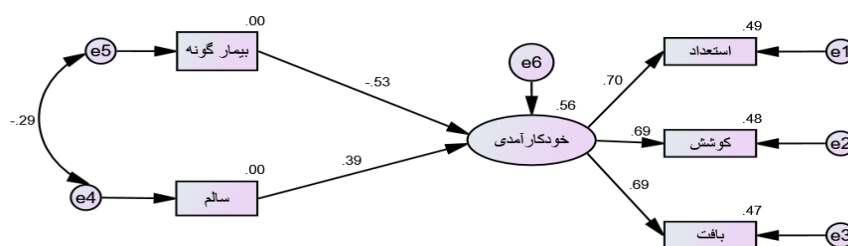
متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
خودکارآمدی تحصیلی	۵۵/۰۰	۱۱۷/۰۰	۹۰/۸۰۷۲	۷/۸۶۹۸۸
خودشیفتگی بیمارگونه	۳۴/۰۰	۷۵/۰۰	۴۵/۰۹۷۶	۲۶/۹۸۴۷۲
خودشیفتگی سالم	۳۸/۰۰	۷۰/۰۰	۷۹/۲۶۵۶	۹/۳۶۵۱۷

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. میانگین خودکارآمدی تحصیلی، خودشیفتگی سالم و خودشیفتگی بیمارگونه به ترتیب ۹۰/۸۰، ۷۹/۲۶ و ۴۵/۰۹ می‌باشد. جهت بررسی رابطه خودشیفتگی سالم و خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی، مدل ساختاری کلی با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته ارائه شده است که روابط علی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق را نشان می‌دهد.

46. Adaptive overt narcissism scale (AONS)

47. Shane.Simpson

48. Jink and Morgan Academic Self-Efficacy Inventory



شکل ۲- مدل ساختاری کلی پژوهش

شکل ۲ مدل ساختار کلی پژوهش را نشان می‌دهد. شکل مدل ساختاری بیانگر رابطه معکوس ($r = -.53$) خودشیفتگی بیمار گونه با خودکارآمدی تحصیلی و رابطه مستقیم و معنی‌دار ($r = .39$) خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌ها	χ^2	df/ χ^2	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	RMSEA
مدل ساختار کلی پژوهش	۸/۵۴	۰/۹۶۱	۰/۹۹۱	۰/۹۶۵	۰/۹۳۲	۰/۹۶۱	۰/۹۶۳	۰/۰۵۶
برازش قابل قبول	-	<۳	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸

با توجه به مقادیر به دست آمده برای شاخص‌های پژوهش (کای اسکوتر، نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی، سطح معنی‌داری، شاخص برازش فزاینده، شاخص برازندگی مقایسه‌ای، شاخص نیکویی برازش و شاخص ریشه میانگین مجذور برآورد تقریب) و مقایسه آن‌ها با مقادیر قابل قبول، می‌توان گفت که تمام شاخص‌ها در حد مطلوبی هستند و مدل مد نظر دارای برازش مطلوبی است.

جدول ۳. ضرایب و نتایج رگرسیونی بر اساس مدل ساختاری

اثر	ضریب رگرسیونی استاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	P
خودشیفتگی بیمار گونه ---> خودکارآمدی تحصیلی	-۰/۵۳	۰/۰۰۵	-۹/۵۸۸	۰/۰۰۰
خودشیفتگی سالم ---> خودکارآمدی تحصیلی	۰/۳۹	۰/۰۱۴	۷/۲۲۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آماره t و سطح معنی‌داری، رابطه بین خودشیفتگی بیمار گونه و خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی معنادار است.

سؤال دوم این پژوهش آزمون اثر مداخله‌گری متغیر جنسیت در رابطه با خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول بود. در بررسی اثر تعدیل‌کنندگی متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی از تکنیک تحلیل گروه‌های چندگانه استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل گروه‌های چندگانه نشان داد که مدل مبتنی بر فرض یکسان بودن برای دختران و پسران شرکت‌کننده در پژوهش از برازش نیکویی بهتری برخوردار بود. نتایج به دست آمده در خصوص شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل‌های یکسان و غیر یکسان روابط در میان دو گروه در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه شاخص‌های نیکویی برازش در مدل‌های غیریکسان و یکسان رابطه در میان دو گروه دانشجویان دختر و پسر

مدل	X^2	p	df/ χ^2	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	RMSEA	AIC
مدل یکسان	۷/۴۹	۰/۸۴	۲/۲۰۷	۰/۹۰۸	۰/۹۳۱	۰/۹۲۷	۰/۹۲۶	۰/۹۲۸	۰/۰۶۷	۷۳/۶۰۲
مدل غیر یکسان	۲۴/۸۰۱	۰/۰۳۷	۱۱/۷۴۲	۰/۹۰۱	۰/۸۷۴	۰/۸۵۲	۰/۸۶۳	۰/۹۰۷	۰/۳۱	۱۶۷/۴۹۲

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد هر چند مقدار کای اسکوئر برای هر دو مدل یکسان و غیر یکسان معنادار است، اما مدل مبتنی بر یکسان بودن روابط بین دو گروه دختر و پسر دارای کای اسکوئر کمتر و بر اساس سایر شاخص‌ها از برازش بهتری برخوردار است. همچنین، کوچک بودن شاخص مقایسه مدل‌ها، یعنی معیار اطلاعات آکائیک (AIC)، برای مدل یکسانی روابط در میان دو گروه دختر و پسر (۷۳/۶۰۲) در برابر مقدار این شاخص برای مدل غیریکسانی (۱۶۷/۴۹۲) نشان دهنده برازش نیکویی بهتر مدل یکسانی می‌باشد.

جدول ۵. مقایسه مدل‌ها (با فرض اصلی بهتر بودن مدل یکسانی رابطه برای دو گروه)

مدل	X^2	Df	sig
مدل غیریکسان - یکسان	$17/311 = 24/801 - 7/49$	$4-20=16$	۰/۰۰۰

با توجه به معنادار بودن تفاوت کای اسکوئر برای دو مدل یکسان و غیریکسان ($17/311 = 24/801 - 7/49$) با فرض اصلی بهتر بودن مدل یکسانی با درجه آزادی ۱۶، فرض مبتنی بر بهتر و مناسب بودن مدل یکسانی در ارتباط خودشیفتگی سالم و خودکارآمدی تحصیلی در میان دو گروه دختر و پسر تأیید می‌شود. در جدول ۶ خلاصه نتایج پژوهش بر اساس برآورد مدل غیر یکسان در ارتباط خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی آورده شده است.

جدول ۶. خلاصه نتایج پژوهش بر اساس برآورد مدل غیریکسان رابطه

فرضیه پژوهش	گروه	ضریب رگرسیونی استاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	P
خودشیفتگی سالم ---> خودکارآمدی تحصیلی	دختران	۰/۴۸	۰/۰۲۱	۷/۳۲۴	۰/۰۰۰
	پسران	۰/۳۹	۰/۰۳۶	۶/۷۸۲	۰/۰۰۰

همان‌گونه که جدول ۶ نشان داده شده است، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که همانند مدل کلی پژوهش رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه و خودکارآمدی تحصیلی برای هر دو گروه دانش‌آموز پسر و دختر مثبت و معنادار شده است. بنابراین اثر تعدیل‌گری جنسیت بین این دو متغیر برای دانش‌آموزان پسر و دختر تأیید نمی‌شود. همچنین بر اساس مبانی نظری و ادبیات پژوهش، سؤال سوم این پژوهش، آزمون اثر مداخله‌گری متغیر جنسیت در رابطه با خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول بود. در بررسی اثر تعدیل‌کنندگی متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی از تکنیک تحلیل گروه‌های چندگانه استفاده شد. در این زمینه نتایج حاصل از تحلیل گروه‌های چندگانه نشان داد که مدل مبتنی بر فرض متفاوت بودن (مدل غیریکسانی) برای دختران و پسران شرکت‌کننده در پژوهش از برازش نیکویی بهتری برخوردار است. نتایج به دست آمده در خصوص شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل‌های یکسان و غیر یکسان روابط در میان دو گروه در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. خلاصه شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل‌های غیریکسان و یکسان
رابطه در میان دو گروه دانشجویان دختر و پسر

مدل	X ²	p	df/x ²	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	RMSEA	AIC
مدل یکسان	۷/۵۰	۰/۰۸۱	۲/۱۲۵	۰/۹۸۷	۰/۹۲۵	۰/۹۳۳	۰/۹۲۱	۰/۹۶۶	۰/۰۶۷	۱۰۴/۲۵۴
مدل غیر یکسان	۳۱/۲۰۵	۰/۰۳۸	۱/۶۰۸	۰/۹۳۱	۰/۹۰۱	۰/۸۵۲	۰/۹۰۲	۰/۸۷۵	۰/۲۲	۱۸۵/۱۸۲

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد هر چند مقدار کای اسکوئر برای هر دو مدل یکسان و غیر یکسان معنادار است، اما مدل مبتنی بر غیر یکسان بودن روابط بین دو گروه دختر و پسر دارای کای اسکوئر کمتر و بر اساس سایر شاخص‌ها از برازش بهتری برخوردار است. همچنین کوچک بودن شاخص مقایسه مدل‌ها، یعنی معیار اطلاعات آکائیک (AIC)، برای مدل غیریکسانی روابط در میان دو گروه دختر و پسر (۱۰۴/۲۵۴) در برابر مقدار این شاخص برای مدل یکسانی (۱۸۵/۱۸۲) نشان دهنده برازش نكویی بهتر مدل غیریکسانی می‌باشد.

جدول ۸. مقایسه مدل‌ها (با فرض اصلی بهتر بودن مدل غیریکسانی رابطه برای دو گروه)

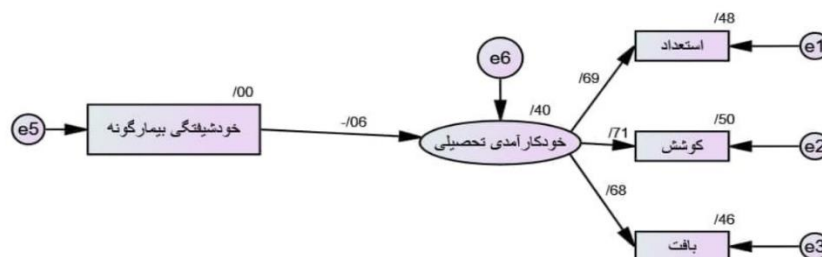
مدل	X ²	Df	sig
مدل غیریکسان - یکسان	۳۱/۲۰۵ - ۷/۵۰ = ۲۳/۷۵۰	۴-۲۰=۱۶	۰/۰۰۰

با توجه به معنادار بودن تفاوت کای اسکوئر برای دو مدل یکسان و غیریکسان (۳۱/۲۰۵ - ۷/۵۰ = ۲۳/۷۵۰) با فرض اصلی بهتر بودن مدل غیریکسانی با درجه آزادی ۱۶، فرض مبتنی بر بهتر و مناسب بودن مدل یکسانی در ارتباط خودشیفتگی سالم و خودکارآمدی تحصیلی در میان دو گروه دختر و پسر تأیید می‌شود. در جدول ۹ خلاصه نتایج پژوهش بر اساس برآورد مدل غیر یکسان در ارتباط خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی آورده شده است.

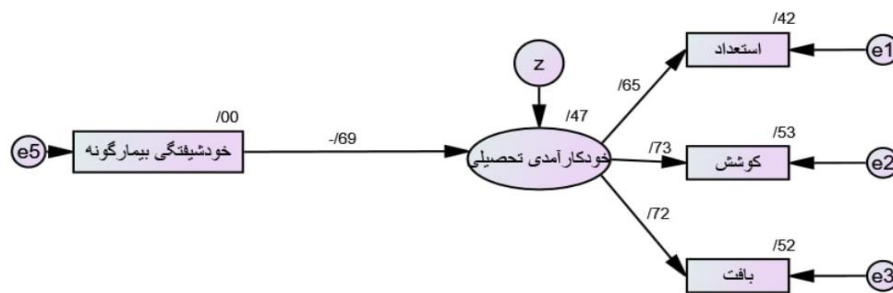
جدول ۹. خلاصه نتایج پژوهش بر اساس برآورد مدل غیریکسان رابطه

فرضیه پژوهش	گروه	ضریب رگرسیونی استاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	P
خودشیفتگی بیمارگونه < خودکارآمدی تحصیلی	دختران	-۰/۳۴	۰/۰۳۱	۱/۰۱۷	۰/۰۸۶
	پسران	-۰/۵۲	۰/۰۱۴	-۹/۶۵۴	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در شکل‌های ۳ و ۴ و جدول ۹ نشان داده شده است، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برخلاف معنادار بودن رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه و خودکارآمدی تحصیلی در مدل کلی پژوهش، پس از آزمون اثر تعدیل‌گری جنسیت بین این دو متغیر برای دانش‌آموزان پسر منفی و معنادار و برای دانش‌آموزان دختر غیرمعنادار بود. در پایان شکل روابط بین متغیرهای موجود بر اساس مدل غیریکسانی برای دانش‌آموزان پسر و دختر آورده شده است (شکل ۳ و ۴).



شکل ۳: مدل ساختاری بر اساس مدل غیریکسان برای دختران



شکل ۴: مدل ساختاری بر اساس مدل غیریکسان برای پسران

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خودشیفتگی سالم و بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی و نقش تعدیل کننده جنسیت در این رابطه انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی دارای رابطه منفی و معنی داری می باشد. این یافته با نتایج پژوهش بروکز (۲۰۱۵) همسو و با نتایج پژوهش های هیرسکی و جانچ (۲۰۱۷) و سعادت و همکاران (۱۳۹۶) ناهمسو است. در تبیین نتایج پژوهش می توان بیان نمود که نگرش به خود مغرورانه افراد خودشیفته مانعی در برابر دیدن توانایی های واقعی خود است و آنها را آسیب پذیر و بی ثبات می سازد (جوردن و همکاران؛ به نقل از وازیر و فاندرا، ۲۰۰۶). بسیاری از پاسخ های رفتاری، شناختی و عاطفی افراد خودشیفته در خدمت اثبات و دفاع از خود پنداره^{۴۹} غیر واقعی است. بنابراین خود پنداره افراد خودشیفته شکننده است. این افراد تمایل دارند به جای تمرکز بر واقعیات و پیامدها بر تصاویر تمرکز کنند. در واقع آنها شفافیت واقعیت را می گیرند، واقعیت را تحریف می کنند و حتی به منظور حفظ توهمات درباره خود و برنامه هایی که در آنها شرکت دارند به لفاظی و خود فریبی می پردازند. سبک شناختی آنها انعطاف ناپذیر و احساسشان اغراق آمیز است (باری و فریک^{۵۰}، ۲۰۰۳) در نتیجه این اغراق در توانایی های خود و عدم دیدن توانایی های واقعی خود بر خودکارآمدی تحصیلی این گونه افراد تاثیر منفی خواهد گذاشت. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی دارای رابطه مثبت و معنی داری می باشد. نتایج به دست آمده با پژوهش های خسروی مقدم و خلیفه سلطانی (۱۳۹۶)، والاس و باومیستر (۲۰۰۲)، لاپسلی و آلسما (۲۰۰۶)، همخوانی دارد. در تبیین یافته های پژوهشی می توان گفت که خودشیفتگی سالم، بخش لازمی از رشد بهنجار انسان است و یک موتور محرک قوی برای پیشرفت شخصی بشر است. در خودشیفتگی سالم، فرد حس روشنی از خود دارد، احساس رضایت می کند، سطح ثابت و معقولی از عزت نفس را داراست و نسبت به خود و نیازهایش، آگاه و هوشیار است. در موفقیت هایش مغرور می شود، اما آنها را بزرگ نمایی نمی کند. در واقع، خودشیفتگی سالم، همان احساس ارزشمندی و احترام به نفس متعادل است (صبوری پور، ۱۳۹۴). مالکین^{۵۱} (۲۰۱۶)، خودشیفتگی سالم را «توانایی افراد در ارزیابی مثبت از خود و دیگران» قلمداد می کند. افراد دارای خودشیفتگی سالم در مورد شایستگی و توانایی های خود ارزیابی مثبتی دارند اما در مورد آن اغراق نمی کنند که این خصوصیت مهم می تواند موجب افزایش خودکارآمدی تحصیلی آنها شود؛ یعنی خودشیفتگی به عنوان یک ویژگی مثبت شخصیتی می تواند اثرات مطلوبی بر کارایی فرد داشته باشد، اما اگر کنترل نشود می تواند اثرات بدی را روی کارایی فرد داشته باشد (خسروی مقدم و خلیفه سلطانی، ۱۳۹۶).

نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان داد که جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی سالم و خودکارآمدی تحصیلی از اثر تعدیل کنندگی برخوردار نیست. بررسی پیشینه موضوع در منابع موجود و در دسترس حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. باید بیان نمود که خودشیفتگی مفهومی است که کم و بیش در همه افراد وجود دارد، اما خودشیفتگی دارای ابعاد سالم و ناسالم است. خودشیفتگی سالم، بخش لازمی از رشد بهنجار انسان است و قسمتی از آن، تا بزرگ سالی باقی می ماند. این صفت، برای انسان مهم و حیاتی است. او را زنده نگه می دارد، به سوی پیشرفت سوق می دهد و برمی انگیزد تا موجب رشد و پیشرفت انسان

⁴⁹. Self- Concept

⁵⁰. Barry & Frick

⁵¹. Malkin

شود، مطالعه و تحقیق کند، به اکتشاف دست بزند، و اختراع و ابتکار داشته باشد. خودشیفتگی سالم، یک موتور محرک قوی برای پیشرفت شخصی بشر است و مربوط به جنس خاصی نمی‌باشد (صبوری پور، ۱۳۹۴). خودشیفتگی سالم باعث افزایش کارایی و اطمینان افراد از توانایی‌های خود می‌شود (والاس و بامیستر، ۲۰۰۲؛ ترامپتر و همکاران، ۲۰۰۸) که می‌تواند به بهبود خودکارآمدی تحصیلی افراد بدون در نظر گرفتن جنس خاصی کمک کند.

نتایج بررسی فرضیه سوم پژوهش نشان داد که جنسیت رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه و خودکارآمدی تحصیلی را تعدیل می‌کند. در پسران خودشیفتگی بیمارگونه اثر منفی بر خودکارآمدی تحصیلی دارد، اما در دختران خودشیفتگی بیمارگونه به طور جدی نمی‌تواند خودکارآمدی تحصیلی را با محدودیت مواجه کند. می‌توان استنباط کرد که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های فیلیپسون (۱۹۸۵)؛ وازیر و فاندنر (۲۰۰۶)؛ فاستر، کمپل و توینگ^{۵۲} (۲۰۰۳)؛ محمدزاده (۱۳۸۸) که در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند در اختلال شخصیت خودشیفته میان پسران و دختران تفاوت معنی‌داری وجود دارد، همخوانی دارد و با نتایج پژوهش‌های بیجاری، پیوسته گر و جلالی (۱۳۹۲)، صفاری نیا و شفیع (۱۳۹۰) که در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند بیان در اختلال شخصیت خودشیفته هیچ‌گونه تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد ناهمخوانی دارد. در تبیین یافته‌های پژوهشی می‌توان بیان نمود که تفاوت‌های جنسیتی عامل مهمی در ابراز نوع خودشیفتگی است (فاستر، کمپل و توینگ، ۲۰۰۳). در دوران نوجوانی جنبه‌های مرضی خودشیفتگی مانند: اقتدار و رفتارهای خطرپذیر، خودبستگی، اطمینان افراطی به خود در پسران بیشتر دیده می‌شود (روش^{۵۳}، ۲۰۱۳). ویژگی‌های مردانه با مقیاس کلی خودشیفتگی و با برخی از زیرمقیاس‌های آن مثل اقتدار و خود بزرگ‌بینی، تسلط و پرخاشگری ارتباطی مستقیم دارد و ویژگی‌های زنانه با زیر مقیاس‌های ارزش خود و دغدغه همدلی ارتباط مستقیمی دارد (حمزوی و قربانی، ۱۳۸۸). پژوهشهای چانز و همکاران^{۵۴} (۱۹۹۸) نیز نشان می‌دهد که مردان در مقیاس کلی «شخصیت خودشیفته» و زیرمقیاسهای آن (رهبری/ اقتدار؛ خودفرورفتگی/ خودتحسین‌گری؛ احساس محق بودن و احساس برتری - غرور) نمراتی بالاتر از زنان را کسب می‌کنند. این حس بیشتر خود بزرگ‌بینی، رفتارهای خطر پذیر، خشم و غرور و ... در پسران مانعی است برای دیدن توانایی‌های واقعی خود و این می‌تواند بر خودکارآمدی تحصیلی پسران اثر منفی بگذارد. اما در عوض جنبه‌هایی مانند ارزش خود و دغدغه همدلی که بیشتر در دختران دیده می‌شود با حوزه‌های خودکارآمدی تحصیلی رابطه‌ای ندارند و نمی‌توانند بر خودکارآمدی تحصیلی دختران اثر منفی بگذارد. همچنین یک تبیین دیگر می‌تواند این باشد که خودشیفتگی یک ویژگی فطری - شخصیتی و بنیادی انسان است که بر اساس نوع زمینه‌های ژنتیک افراد، تربیت خانوادگی، شرایط رشد و شرایط اجتماعی و محیطی تشدید شود، به نحوی که بر سایر ویژگی‌های شخصیتی غالب شود (سلیمانیان، ۱۳۹۲). پژوهشگران بالاتر بودن جنبه‌های مرضی خودشیفتگی در مردان را در مقایسه با زنان به عوامل فرهنگی نسبت می‌دهند. طبق این دیدگاه، در فرهنگ‌های غربی از مردان انتظار می‌رود بیشتر رقابت‌جو، جسور و نیرومند بوده و در برابر ناکامی رفتارهای خشن و جسمانی بیشتری نشان دهند، در حالی که زنان بیشتر به تشکیل پیوندهای عاطفی و همدلانه با دیگران بیشتر تشویق می‌شوند (پینکاس و همکاران، ۲۰۰۹؛ رایت و همکاران، ۲۰۱۰؛ شرم^{۵۵}، ۲۰۰). استفاده صرف از ابزارهای خودسنجی و عدم توجه به وضع اقتصادی، فرهنگی و هوشی شرکت‌کنندگان از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر است. در زمینه پژوهشی پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتر و با نمونه‌های بزرگتر در سایر فرهنگ‌ها انجام پذیرد. در زمینه کاربردی از آن جایی که مربیان و اولیا کمتر با جنبه‌های تاریک شخصیت نوجوانان آشنایی دارند؛ پیشنهاد می‌شود که آموزش و پرورش با دعوت از روانشناسان و روانپزشکان و پی‌ریزی برنامه‌های مدون سطح آگاهی اولیا و مربیان را بالا ببرند. از آن جایی که خودشیفتگی سالم و بیمارگونه روی یک پیوستار قرار دارند، می‌توان با تشکیل جلسات مشاوره فردی و گروهی به دانش‌آموزان کمک کرد تا از خودشیفتگی بیمارگونه فاصله گرفته و به سمت خودشیفتگی سالم حرکت کنند. در آخر با توجه به نقش تعدیل‌گری جنسیت و اینکه خودکارآمدی قابل آموزش است، پس می‌توان با استفاده از روش‌های نوین مشاوره و تربیتی، میزان آن را در دختران افزایش داد تا مشکلات کمتری را تجربه کنند.

⁵². Foster, Campbell & Twenge⁵³. Roche⁵⁴. Tschanz⁵⁵. Schurman

منابع

- [۱] بخشی‌زاده، فاطمه؛ سامانی، سیامک؛ خیر، محمد و سهرابی، نادره (۱۳۹۷). آزمون مدل علی طرحواره‌های نقش جنسیتی، آگاهی جنسی و تمایز یافتگی. *مجله روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۹(۳۳)، ۳۴-۲۱.
- [۲] بیجاری، اعظم؛ پیوسته‌گر، مهرانگیز؛ ظریف‌جلالی، زهرا (۱۳۹۲). مقایسه ابعاد خودپنداره و سازگاری در افراد خودشیفته سازگار و ناسازگار. *مطالعات روانشناختی*، ۹(۴)، ۳۵-۴۸.
- [۳] شفیع، حسن؛ صفاری‌نیا، مجید (۱۳۹۰). خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۲(۶)، ۱۴۸-۱۲۳.
- [۴] صبورپور، مهدی (۱۳۹۴). سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی. *پژوهش نامه حقوق کیفری*، ۴(۱)، ۱۹۴-۱۷۱.
- [۵] محمدزاده، علی (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI-16) در جامعه ایرانی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱(۴)، ۲۸۱-۲۷۴.
- [۶] براون، نینا (۱۳۸۸). *فرزندان و خودشیفتگی والدین: چگونه قربانی خودشیفتگی والدین مان نشویم؟*. ترجمه محمد قربانی. تهران: انتشارات پنجره. (سال انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۷).
- [۷] بندک، موسی؛ ملکی، حسن؛ عباسپور، عباس و ابراهیمی‌قوام، صغری (۱۳۹۴). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۱۱(۳۷)، ۳۱-۲۱.
- [۸] حمزوی، فاطمه و قربانی، نیما (۱۳۸۸). خودشیفتگی و نقش‌های جنسی در نوجوانان ایرانی. *مجله مطالعات زنان*، ۵(۲)، ۷۲-۵۵.
- [۹] خسروی‌مقدم، زهره و خلیفه سلطانی، احمد (۱۳۹۶). *بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیریت و مدیریت سود*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه الزهراء، تهران.
- [۱۰] سعادت، سجاد؛ کلانتری، مهرداد و قمرانی، امیر (۱۳۹۶). رابطه ویژگی‌های شخصیت تاریک (ماکیاولی، خودشیفتگی و جامعه ستیزی) با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان. *دو ماهنامه علمی پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۰(۴)، ۲۶۲-۲۵۵.
- [۱۱] سلیمانیان، بهنام (۱۳۹۲). اثر خودشیفتگی مدیران بر تضاد و تعارض سازمانی (مورد مطالعه: مدیران ادارات شهر بجنورد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران.
- [۱۲] شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۶). *نظریه‌های شخصیت (ویراست دهم)*. ترجمه: یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش. (سال انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۱۳).
- [۱۳] صبورپور، مهدی (۱۳۹۴). سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۴(۱)، ۱۷۱-۱۹۴.
- [۱۴] غلامی‌پور، فاطمه (۱۳۹۵). *پیش‌بینی خودشیفتگی بیمارگونه و سالم براساس عوامل جمعیت شناختی، نظام خانواده و عوامل بوم شناختی: نقش میانجی زخم‌های خودشیفتگی و کمال‌گرایی*. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۲۷(۱۵۱)، ۱۲۹-۱۱۷.
- [۱۵] قربانی، نیما (۱۳۹۲). *سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی (ویراست دوم)*. تهران: انتشارات بینش نو.
- [۱۶] قلی‌زاده، رضوان؛ قاسمی، زهرا؛ ناصری صادق، ساجده و احمدآبادی، آرزو (۱۳۹۴). سنجش رابطه جنسیت، فرهنگ سازمانی و توزیع قدرت در سازمان. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۱۳(۲)، ۲۸۹-۲۶۳.
- [۱۷] کریم‌زاده، منصوره و محسنی، نیک‌چهره (۱۳۸۵). بررسی رابطه خودکارآمدی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر سال دوم دبیرستان شهر تهران (گرایش‌های علوم ریاضی و علوم انسانی). *فصلنامه مطالعات روانشناختی اجتماعی زنان*، ۴(۲)، ۴۵-۲۹.

- [18] Altunsoy, S., Çimen, O., Ekici, G., Atik, A. D., & Gökmen, A. (2010). An assessment of the factors that influence biology teacher candidates' levels of academic self-efficacy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 2377-2382.
- [19] Back, M. D., & Vazire, S. (2015). The social consequences of personality: Six suggestions for future research. *European Journal of Personality*, 29(2), 296-307.
- [20] Barry, T. D., & Frick, P. J. (2003). The relation of narcissism and self-esteem to conduct problems in children: A preliminary investigation. *Journal of clinical child and adolescent psychology*, 32(1), 139-152.
- [21] Brookes, J. (2015). The effect of overt and covert narcissism on self-esteem and self-efficacy beyond self-esteem. *Personality and Individual Differences*, 85, 172-175.
- [22] Cheek, J. M., Hendin, H. M., & Wink, P. M. (2013). An extended version of the Hypersensitive Narcissism Scale, *Association for Research in Personality*, At Charlotte, NC.
- [23] Cheek, J. M., Wink, P. M., Hargreaves, K. M., & Derr, J. L. (2013). Distinctions among overt, covert and adaptive types of narcissism: Conceptualization and measurement. *The 121st Annual Convention of the American Psychological Association*, At Honolulu, Hawaii.
- [24] Fosse, T. H., Buch, R., Säfvenbom, R., & Martinussen, M. (2015). The impact of personality and self-efficacy on academic and military performance: The mediating role of self-efficacy. *Journal of Military Studies*, 6(1), 47-65.
- [25] Foster, J. D., Campbell, W. K., & Twenge, J. M. (2003). Individual differences in narcissism: Inflated self-views across the lifespan and around the world. *Journal of Research In personality*, 37, 469-486.
- [26] Greenwood, D., McCutcheon, L.E., Collisson, & Wongd, M. (2018). What's fame got to do with it? Clarifying links among celebrity attitudes, fame appeal, and narcissistic subtypes. *Personality and Individual Differences*, 131, 238-243.
- [27] Hirschi, A., & Jaensch, V. K. (2015). Narcissism and career success: Occupational self-efficacy and career engagement as mediators. *Personality and Individual Differences*, 77, 205-208.
- [28] Kajonius, P. J., Persson B. N., Rosenberg, P., & Garcia, D. (2016). The (miss) measurement of the Dark Triad Dirty Dozen: exploitation at the core of the scale. *The Journal of Life and Environmental Sciences*, 4, 17-48.
- [29] Lapsely, D. k., & Aalsma. M. C. (2006). An empirical typology of narcissism and mental health in late adolescence. *Journal of adolescence*, 29(1), 53-71.
- [30] Malkin, c. (2016). *Rethinking Narcissism: The Secret to Recognizing and Coping with Narcissists*. Publisher: Harper Perennial.
- [31] Mark Young, S., & Pinsky, D. (2006). Narcissism and celebrity. *Journal of Research in Personality*, 40(5), 463-71.
- [32] Martin, A. J., & Marsh, H. W. (2008). Academic buoyancy: Towards an understanding of students' everyday academic resilience. *Journal of School Psychology*, 46(1), 53-83.
- [33] Martinez, M. A., Zeichner, A., Reidy, D. E., & Miller, J. D. (2008). Narcissism and displaced aggression: Effects positive, negative and delayed feedback. *Personality and Individual Differences*, 44(1), 140-149.
- [34] Morf, C. C., & Rhodewalt, F. (1993). Narcissism and self-evaluation maintenance: Explorations in object relations. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 19(6), 668-676.

- [35] Morf, C. C., & Rhodewalt, F. (2001). Unraveling the paradoxes of narcissism: A dynamic self-regulatory processing model. *Psychological Inquiry*, 12(4), 177-196.
- [36] Morgan, O., & Jinks, J. (1999). Children's perceived academic self- efficacy: An Inventory Scale. *Clearing House*, 72(4), 224-230.
- [37] Oltmanns, T. F., Friedman, J. N., Fiedler, E. R., & Turkheimer, E. (2004). Perceptions of people with personality disorders based on thin slices of behavior. *Journal of Research in Personality*, 38(3), 216-29.
- [38] Parton, D.M. (2018). *Wrath of the Narcissists: Vulnerable Narcissism Predicts Greater Spiteful Punishment of a Third-party Transgressor*. Master Thesis, Towson University, Department of Psychology.
- [39] Pettus, K. R. (2006). *The relationship of parental monitoring to community college student adjustment and achievement: differences by gender, ethnicity, parental education level, and student residence*. Unpolished Ph.D. Thesis, Carolina University.
- [40] Pincus, A. L., & lukowitsky, M. R. (2010). Pathological narcissism and narcissistic disorder. *Annual Review of Clinical Psychology*, 6, 421-446.
- [41] Pincus, A. L., Ansell, E. B., Pimentel, C. A., Cain, N. M., Wright, A. G. C., & Levy, K. N. (2009). The initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory. *Psychological Assessment*, 21(3), 365-379.
- [42] Pu, J., Hou, H., & Ma, R. (2017). Direct and indirect effects of self-efficacy on depression: The mediating role of dispositional optimism. *Current Psychology*, 36(3), 410-416.
- [43] Roche, M. J., Pincus, A. L., Lukowitsky, M. R., Ménard, K. S., & Conroy, D. E. (2013). An integrative approach to the assessment of narcissism. *Journal of Personality Assessment*, 95(3), 237-248.
- [44] Ronningstam, E. (2005). *Identifying and understanding narcissistic personality*. New York: Oxford University Press.
- [45] Schurman, C. L. (2000). Social phobia, shame and hypersensitive narcissism. (Doctoral dissertation). Retrieved August 20, 2012, from ProQuest.
- [46] Shams, F. (2011). The mediating role of academic self- efficacy in the relationship between personality traits and mathematics performance. *Social and Behavioral Sciences*, 29, 1689-1692.
- [47] Shane-Simpson, C., Schwartz, A.M., Abi-Habib, R., Tohme, P., & Obeid, R. (2020). I love my selfie! An investigation of overt and covert narcissism to understand selfie-posting behaviors within three geographic communities. *Computers in Human Behavior*, 104, 106158.
- [48] Slater, L. (2002). *The trouble with self-esteem: Maybe thinking highly of yourself is the real problem*. New York: Oxford University Press.
- [49] Stinson, F. S., Dawson, D. A., Goldstein, R. B., Chou, S. P., Huang, B., Smith, S. M., & Grant, B. F. (2008). Prevalence, correlates, disability, and comorbidity of DSM-IV narcissistic personality disorder: Results from the wave 2 national epidemiologic survey on alcohol and related conditions. *The Journal of Clinical Psychiatry*, 69(7), 1033-1045.
- [50] Szabolcs, B. (2014). *Student sample standards of the MCNS test and their Empirical characteristics*, Master Thesis. University of Pécs, Department of Personality and Health Psychology.

- [51] Trumpeter, N. N., Watson, P. J., O'Leary, B. J., & Weathington, B. (2008). Self-functioning and perceived parenting: Relations of parental empathy and love inconsistency with narcissism, depression and self-esteem. *The Journal of Genetic Psychology: Research in Human Development*, 169(1), 51-71.
- [52] Tschanz, Brian T., Carolyn C. Morf, and Charles W. Turner. 1998. "Gender Differences in the Structure of Narcissism: A Multi-Sample Analysis of the Narcissistic Personality Inventory." *Sex Roles. A Journal of Research*, 38(9-10):863-870.
- [53] Vazire, S., & Funder, D. C. (2006). Impulsivity and the Self-defeating Behavior of Narcissists. *Personality Social Psychology Bulletin*, 10(2), 154-165.
- [54] Philipson, J. (1985). "Gender and Narcissism." *Psychology of Women Quarterly*, 9(2), 213-228.
- [55] Wallace, H. M., & Baumeister, R. F. (2002). The performance of narcissists rises and falls with perceived opportunity for glory. *Journal of Personality and Social Psychology*. 82(5), 819-34.
- [56] Watson, P. J., Taylor, D., & Morris, R. J. (1987). Narcissism, Sex Roles, and Self-Functioning, *Sex Roles*, 16(7-8), 335-350.
- [57] Wink, P., Dillon, M., & Fay, K. (2005). Spiritual seeking, narcissism, and psychotherapy: How are they related? *Journal for the Scientific Study of Religion*, 44(2), 143-158.
- [58] Wright, A. G. C., Lukowitsky, M. R., Pincus, A. L., & Conroy, D. E. (2010). The higher order factor structure and gender invariance of the Pathological Narcissism Inventory. *Psychological Assessment*, 17(4), 467-483.
- [59] Wright, A. G., Pincus, A. L., Thomas, K. M., Hopwood, C. J., Markon, K. E., & Krueger, R. F. (2013). Conceptions of narcissism and the DSM-5 pathological personality traits. *Journal Assessment*, 20(3), 339-352.